

راهنمای  
خانواده های زندانیان سیاسی  
برای  
اطلاع رسانی

متنی که از نظر می گذرانید؛ تدوین نظرات و تجربیات جمعی از فعالان و کارشناسان حقوق بشر، وکلا و روزنامه نگارانی است که موضوع زندانیان سیاسی با بخشی از زندگی آنان تنیده شده است. این مجموعه کوشیده تا ضمن جمع آوری نظرات پراکنده فعالان ایرانی حقوق بشر در زمینه اطلاع رسانی، راهنمای خانواده هایی باشد که عضوی از ایشان در بخاطر فعالیت های سیاسی، مدنی در زندان بسر می برد. در این راهنما تلاش شده ضمن ترسیم جایگاه و اهمیت اطلاع رسانی برای زندانیان سیاسی؛ تا جای ممکن موثرین و کم هزینه ترین اصول و روش ها تعریف و در اختیار همگان قرار گیرد.

ما امیدواریم این راهنما با نقد هر آن کس که زندان را به نحوی تجربه کرده است؛ به روز تر و غنی تر شود و در نهایت به پروتکلی برای کلیه خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان حقوق بشر در زمینه اطلاع رسانی تبدیل گردد. در اینجا از کلیه عزیزانی که در تهیه و تدوین این مجموعه ما را یاری رساندند؛ صمیمانه تشکر می کنیم.

#### فهرست

-چرا اطلاع رسانی مهم است؟

-تجارب خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان حقوق بشر از نتایج اطلاع رسانی

-تهدید خانواده ها و روش های مقابله با آن

-نکات قابل طرح در اطلاع رسانی

-اشتباهات رایج در جریان اطلاع رسانی

-زمان صحیح اطلاع رسانی

-روش اطلاع رسانی

-وکال و اطلاع رسانی

-آگاهی عمومی و تداوم اطلاع رسانی

-کودکان و اطلاع رسانی

## چرا اطلاع رسانی مهم است؟

اطلاع رسانی روزنه ای است که زندانی از درون سلول زندان با دنیای خارج از طریق بازجوی خویش برقرار می کند. اطلاع رسانی می تواند تسلط و اقتدار بازجو روی زندانی را تضعیف کند. اصل بر این است کسی که خلافی انجام می دهد؛ نقض قانون می کند؛ ظلمی روا می دارد و سپس ما را به سکوت فراخواند؛ حتما این سکوت به نفع اوست.

### اطلاع رسانی به زندانی روحیه می بخشد

حکومت های غیر دموکراتیک و بسته تلاش می کنند تا وجود زندانی سیاسی را انکار کنند. از این رو می کوشند اطلاعاتی از زندانیان سیاسی به بیرون درز نکند تا فعالان مدنی کمتر در نزد افکار عمومی شناخته شوند. این حکومت ها می خواهند قدرت خفقان خود را به رخ بکشند اما وقتی خانواده زندانی اطلاع رسانی می کند قدرت آنان خفیف می شود. بعضا این تصور وجود دارد که بازجویان در این سیستم هر کاری بخواهند می توانند با زندانی انجام دهند فارغ از این که بیرون از زندان خبری درباره زندانی باشد یا نباشد. از این نگاه اطلاع رسانی گرچه کار موثری است اما اتفاق خاصی برای زندانی نمی افتد. بازجو تلاش می کند تا به زندانی بقبولاند که وی تنها و بی کس است و در مشت او قرار دارد.

در شرایطی که زندانی ارتباطی با خانواده و دسترسی به وکیل و پزشک مستقل ندارد؛ در خطر شکنجه و سایر بدرفتاری ها قرار می گیرد. این وضعیت در واقع مصونیتی به ماموران امنیتی داده که در تاریکی و سکوت هر کاری می خواهند با زندانی انجام دهند. در فقدان ارتباطات علاوه بر احتمال خطر شکنجه های جسمی، زندانی از نظر روحی نیز تحت فشار قرار می گیرد. اصول حقوق بشری می گویند زندانی از ابتدای بازداشت باید حق دسترسی به وکیل و پزشک و ارتباط با خانواده را داشته باشد.

### اطلاع رسانی و پیشگیری از وخامت وضع زندانی سیاسی

بخش عمده ای از آزار و اذیت و بی حرمتی که به خانواده ها می شود؛ در واقع ناشی از حصر آنان و ایجاد مانع برای ارتباط با دیگران است. این موضوع را می توان نوعی تنبیه خواند که حکومت علیه خانواده های زندانیان سیاسی اعمال می کند. دستگاه امنیتی همچنین تلاش می کند تا رابطه خانواده زندانی با جامعه را قطع کند. قطع همدلی اجتماعی در واقع زمینه ساز شکنجه، اعترافات اجباری و صدور حکم مجازات اعدام است. از این رو اطلاع رسانی باید شرایط خانواده های زندانیان سیاسی را در برگیرد.

اطلاع رسانی در انتظاری حداقلی موارد نقض قانون را نسبت به حقوق زندانی عیان می کند. این عیان شدن خود بازدارنده است و می تواند مانع تکرار در موارد مشابه شود. وقتی یک نهاد امنیتی برای بازداشت فردی مراجعه می کند؛ باید یک سری از ضوابط مندرج در آیین دادرسی کیفری را رعایت کند. اطلاع رسانی باعث می شود موارد نقض این ضوابط علنی شود. اطلاع رسانی همچنین می تواند به دسترسی وکیل به پرونده فرد بازداشت شده منجر شود و کسی که ناقض قانون است همواره از برملا شدن آن واهمه دارد.

ما دقیقا نمی دانیم آن دسته از زندانیان سیاسی که بدون اطلاع رسانی آزاد شده اند؛ چه تعداد هستند و تخت چه شرایطی آزاد شده اند. چون معمولا این موارد بازگو نمی شود. اما می دانیم بسیاری از زندانیان سیاسی، مدنی از اطلاع رسانی نکردن زیان دیده و ابراز پشیمانی کرده اند. گزارش های زیادی از این دست که اطلاع رسانی رفتار بازجویان را به سود زندانی تغییر داده، وجود دارد.

اطلاع رسانی الزاما به آزادی یا نجات از خطر اعدام نمی انجامد اما بسیار نادر است که سکوت به نفع شخص زندانی تمام شده باشد. اطلاع رسانی همچنین می تواند برخورد خشن فیزیکی را در دوره بازجویی تا حدودی مهار کند. زیرا فاش شدن شکنجه، اعترافات اخذ شده را فاقد اعتبار ساخته و بازجوها از بیم این قضیه خودداری بیشتری به خرج می دهند. همچنین اطلاع رسانی خصوصا درباره زندانیان بیمار کارایی به مراتب بیشتری دارد و حتی می تواند از شدت حکم بکاهد.

### اطلاع رسانی قدرت بازجو را کاهش می دهد

اطلاع رسانی لزوما وضع زندانی را بهتر نمی کند؛ اما می تواند مانع از وخیم تر شدن وضعیت او شود. چون بازداشت زیر نظر دستگاه قضایی صورت می گیرد، اطلاع رسانی به این دستگاه فشار وارد می کند و این فشار به صورت سلسله مراتبی به بازجو منتقل می شود. دستگاه قضایی نیز متعاقبا فشار را به ضابط قضایی منتقل می کند و بدین ترتیب بازجو محدود می شود. در شرایطی که بازجو تلاش می کند در زمان بازداشت موقت هر چه می خواهد از زندانی بیرون بکشد؛ هر روندی که اخلاص در آن ایجاد کند به ضرر او است. از این رو می توان گفت که اطلاع رسانی در روند بازجویی اخلاص ایجاد می کند. البته باید توجه داشت که اطلاع رسانی گاهی نیز به مثابه تیغ دو لبه عمل می کند. گاهی اوقات می تواند پیامدهای بسیار مثبتی داشته باشد و برخی اوقات نیز تبعات منفی در روند دفاع حقوقی وی پرونده ایجاد کند و مشکلاتی را برای وکلای وی فراهم سازد. گاهی اوقات لازم است اطلاع رسانی با شدت و حدت زیاد صورت گیرد. برخی اوقات نیز لازم است اطلاع رسانی به خاطر مصلحت زندانی به تعویق بیفتد. تعویق در اطلاع رسانی معمولا مقطعی است که به طور مثال وکیل لایحه ای را تنظیم کرده که می تواند به آزادی مشروط یا مرخصی زندانی منجر شود. در این شرایط اطلاع رسانی ممکن است در اقدامات حقوقی وکیل اختلال ایجاد کند و از این رو جا دارد بخاطر منافع زندانی موقتا از آن صرف نظر کنیم. اما در مجموع اطلاع رسانی و شفاف سازی درباره احکام ناعادلانه فعالان مدنی و اقلیت ها نه تنها هیچ خللی در روند کار پرونده ها ایجاد نمی کند؛ بلکه نهایتا دستگاه امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار می سازد.

### رضایت زندانیان سیاسی از اطلاع رسانی

تجربه های خانواده های زندانیان سیاسی نشان می دهد شرایط زندانیانی که خانواده های آنها اطلاع رسانی کرده اند نسبت به زندانیانی که خانواده های آنان سکوت کرده یا خیلی دیر این سکوت را شکسته اند؛ بسیار متفاوت است. ممکن است اطلاع رسانی برخی اوقات بی تاثیر و خنثی باشد؛ اما موردی نبوده که تاکنون کسی از اطلاع رسانی صحیح ناراضی باشد و مدعی شود این امر به ضرر وی تمام شده است. حداقل فایده اطلاع رسانی این است که زندانی فراموش نشود. اطلاع رسانی مسلما بهتر از گمنام ماندن زندانی است. برخی اوقات ماموران امنیتی خودشان هم این انتظار را ندارند که برای زندانیان کم شهرت اطلاع رسانی شود و روی آن حسابی باز نمی کنند. تصور می کنند فردی را بدون سروصدا گرفته اند بدون آنکه هزینه ای پرداخت کنند. فراموش نکنیم خود اطلاع رسانی الزاما تغییری در وضعیت زندانی ایجاد نمی کند؛ بلکه این واکنش ها به اطلاع رسانی است که می تواند وضع را تغییر دهد.

### تجارب خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان حقوق بشر از نتایج اطلاع رسانی

فعالان حقوق بشر و زندانیان سیاسی که تجارب خویش را به اشتراک گذاشته اند؛ نمونه هایی را از آثار اطلاع رسانی که به بهبود

شرایط زندانی منجر شده ذکر کرده اند. به باور آنان اگر اطلاع رسانی از ابتدا به شیوه‌های صحیح انجام شود، زندانی کمتر آزار می بیند و احتمال شکنجه و ناپدید شدن وی به حداقل می رسد. به گفته روزنامه نگاران حقوق بشر موارد زیادی بوده که اطلاع رسانی در رسانه ها باعث شده تا وضعیت زندانی بهتر شود؛ تخفیفی در حکم صورت گیرد یا اجرای حکم متوقف شود. این تجربه نشان می دهد اطلاع رسانی می تواند فواید بسیاری را برای زندانیان سیاسی و عقیدتی و خانواده های آنان داشته باشد.

### شگردهای بازجویان

بازجویان از روش های مختلفی برای اعتراف گیری و شکستن زندانی استفاده می کنند. در شیوه بازجویی حرفه ای در مرحله اول بازداشت از زندانی هویت زدایی می شود. از خطاب نکردن زندانی به نام خودش تا گرفتن وسایل شخصی و حتی لباس زندانی روشی برای هویت زدایی از زندانی است. سپس در اتاق بازجویی، بازجو با روش دوستانه و محترمانه با زندانی برخورد می کند. روش این است که بازجو خود را از مناسبات ظالمانه ای که زندانی در مرحله نخست بازداشت با آن مواجه بوده، جدا کرده تا نقش منجی زندانی را بازی کند. برخی از زندانیان با این شیوه فریبکارانه اعتراف کرده و می شکنند.

بازجوها همچنین برای اخلاص در امر اطلاع رسانی ابتدا از در خیرخواهی وارد می شوند. بازجو در انفرادی و با شکنجه سفید زندانی را در اختیار خویش می گیرد. در آن شرایط زندانی نیاز به کسی دارد که با او حرف بزند حتی اگر آن فرد بازجویش باشد. اینجا است که بازجو می گوید اطلاع رسانی نکن تا مشکل تو را حل می کنم. حتی به زندانی می گویند که با خانواده خویش تماس بگیرند و از آنان بخواهند تا مصاحبه نکنند.

### بازتاب اطلاع رسانی در دوره بازجویی

اطلاع رسانی نسخه ای است که هم می تواند به زندانی روحیه دهد و هم رفتار بازجوها با شخص زندانی را متعادل سازد. یکی از فعالان حقوق بشر در این زمینه می گوید: « تا وقتی در زندان بودم خبر نداشتم درباره من اطلاع رسانی می شود در حالی که کمپین ها و حمایت های بسیاری برای آزادی من از سوی عفو بین الملل و سازمان های حقوق بشری صورت می گرفت.» از نظر وی مهمترین سودی که اطلاع رسانی پس از تحمل سه ماه سلول انفرادی برای او داشته این بود که دریافت بسیاری از دوستانش برای آزادی او امضا جمع می کردند در آن روزها کنارش بوده اند. اما متأسفانه این وضعیت برای همه وجود ندارد. فعال دیگری تجربه خویش از حس تنهایی و ناامیدی در سلول انفرادی را با ما در میان گذاشته است: « سال 86 که از سوی وزارت اطلاعات بازداشت شدم؛ 36 روز در انفرادی بودم. چون خبر از بیرون نداشتم که کسی از حالم خبر دارد یا خیر، حال خیلی بدی داشتم و حس می کردم اینجا دیگر آخر خط است و حس شدیدی از ناامیدی بهم دست داده بود.»

تجارب زیادی نیز وجود دارد که نشان می دهد بازجویان نهایتاً تحت تاثیر اطلاع رسانی و فشاری که روی آنان وارد می شود؛ نزد زندانی اقرار می کنند که خارج از زندان درباره آنان اطلاع رسانی شده است. فعالی که در سال 88 بازداشت شده از تاثیر رسانه ای شدن خبر بازداشتش در زندان گفته که از لحاظ روحی کمک زیادی به او شده است چون از طریق بازجوی خویش دریافته که افرادی در بیرون از زندان از حال او اطلاع دارند. هر چند این اضطراب را نیز داشته این که اطلاع رسانی باعث فشار و تهدید بیشتر بازجوها شود.

یک فعال رسانه ای از بازتاب واکنش دبیرکل سازمان ملل به خبر بازداشت او و همکاریش می گوید. وی توصیف کرده چگونه در

زندانی بازجویش فریاد می زد و به خودش می پیچید و تهدید می کرد که حمایت سازمان ملل پرونده آنان را سنگین تر می کند. « من همان لحظه امیدوار شدم که اطلاع رسانی جواب داده و بازداشت ما در بیرون بازتاب وسیعی داشته است. فهمیدم که اطلاع رسانی چه تاثیر خوبی دارد.»

فعال دیگری می گوید: « تاثیر اطلاع رسانی را در مدتی که در انفرادی بودم؛ پس از آزادی احساس کردم. این تاثیر را در چندین مورد دیگر هم بررسی کردیم و پس از تطبیق زمان های اطلاع رسانی از میزان رفتار بازجویان به این جمع بندی رسیدیم که اطلاع رسانی تاثیر بسزایی در کاهش فشار بازجویان داشته است. حداقل تاثیر آن تخفیف در برخورد فیزیکی با زندانی است.»

### تاثیر اطلاع رسانی بر دفع خطر شکنجه، ناپدید شدن و اعدام

بسیاری از فعالان حقوق بشر از آثار اطلاع رسانی بر حکم اعدام یا لغو شدن آن گفته اند و معتقدند کاهش اعدام ها در جمهوری اسلامی محصول همین اطلاع رسانی است. در واقع اصلاح قانون مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر نتیجه اطلاع رسانی و فشارهای بین المللی گسترده روی نهادهای قانونگذاری و قضایی جمهوری اسلامی بود. دفع خطر اعدام رابطه مستقیمی با اطلاع رسانی صحیح و به موقع دارد. در این زمینه نمونه های متعددی ذکر شده که به لغو یا تعویق حکم اعدام منتهی شده است. موردی نشان می دهد که اطلاع دادن به موقع وکیل به یک سازمان حقوق بشری باعث شد تا فعالان حقوق بشر با انتشار بیانیه ای خطر اعدام را رسانه ای کرده و از اجرای حکم اعدام جلوگیری کنند. موارد متعددی نیز به شکستن حکم اعدام در شهرستانهای مختلف منجر شده است. در موردی زندانی سیاسی را به تجاوز به عفت متهم ساختند تا شرایط اعدام را برای وی فراهم سازند اما با اطلاع رسانی به موقع حکم اعدام لغو و اتهام زندگان خود به دو سال زندان محکوم شدند. یک روزنامه نگار حقوق بشر در این زمینه از خانواده ای نقل کرده که در عاشورای سال 88 چند زندانی حکم اعدام گرفته بودند و حتی اسمی از آنان هم وجود نداشت. « کل خانواده اتهامش رابطه با سازمان مجاهدین خلق بود. با رسانه ها ارتباط چندانی نداشتند. وقتی پای این اتهامات وسط باشد حتی رسانه ها هم طور دیگری رفتار می کنند. من از طریق روزنامه نگاری که خود در زندان بود و با عضویتی از این خانواده هم بند بود مطلع شدم که چنین خانواده ای وجود دارد و فردی که در زندان است در آستانه اعدام قرار دارد. وقتی با خانواده وی تماس گرفتیم و پرسیدم چرا تا به حال اطلاع رسانی نکردید؛ گفت ما دسترسی به رسانه نداشتیم و نمی دانستیم چه باید بکنیم. این در شرایطی بود که چند عضو خانواده زیر حکم اعدام بودند و بقیه نیز مرتب تهدید می شدند اما خوشبختانه سکوت خود را شکستند و وقتی به رسانه دسترسی پیدا کردند؛ تهدیدها بی اثر شد و به تدریج بقیه رسانه ها نیز شروع به اطلاع رسانی کردند.»

اطلاع رسانی همچنین می تواند از صدور احکام اعدام نیز پیشگیری کند. روایت یک فعال حقوق بشر در این زمینه نشان می دهد که اطلاع رسانی برخی از دوستانش را از خطر صدور حکم اعدام نجات داده است. « اتهاماتی که به ما در سال 86 وارد شد بسیار سنگین بود و می توانست احکام سنگینی برای ما به دنبال داشته باشد و حتی انتظار داشتیم احکام اعدام هم صادر شود.

اما اطلاع رسانی و تجمع خانواده های ما در مقابل دفتر سازمان ملل باعث شد تا احکام ما کاهش پیدا کند.» حضور و فعالیت شبکه اطلاع رسانی جامعه بهاییان در خارج از کشور یکی از نمونه های کاهش صدور و اجرای حکم اعدام زندانیان بهایی است. به باور یکی از کارشناسان حقوق بشر اگر این شبکه اطلاع رسانی وجود نداشت تا به حال تعداد زیادی از آنان اعدام شده بودند. مواردی نیز بوده که افرادی به اتهام اقدام مسلحانه به اعدام محکوم شدند و اطلاع رسانی اجرای حکم آنان را به تاخیر انداخته است. بسیاری از کسانی که با سلاح بازداشت می شوند؛ در اثر اطلاع رسانی توانسته اند بیشتر دوام بیاورند و اگر اطلاع رسانی نبود؛ شاید سریعتر

اعدام می شدند. فرزند کمانگر مثال خوبی است از این که وقتی توجه رسانه ها از او بخاطر حوادث سال 88 دور شد؛ حکم اعدام را علیه او جاری کردند

در این میان زندانیان دیگری نیز بوده اند که به خاطر وقفه در اطلاع رسانی اعدام شده اند. مواردی چون اعدام زانیار و لقمان مرادی نمونه هایی از این دست است. برخی فعالان حقوق بشر بر این نظرند این دو زندانی فریب وعده های دستگاه امنیتی را خوردند که اگر سکوت کنند؛ از مجازات اعدام رهایی خواهند یافت.

### تهدید خانواده ها و روش های مقابله با آن

دستگاه امنیتی همواره می کوشد تا با تهدید خانواده ها مانع از اطلاع رسانی شود. چون حکومت بابت تک تک زندانیانی که درباره آنان اطلاع رسانی می شود؛ هزینه می دهد و تحت فشار قرار می گیرد. دلیل دیگری که برای تهدید خانواده ها از سوی بازجوها به خاطر اطلاع رسانی ذکر شده و اهمه آنان از واکنش افکار عمومی است. **پس از هر اطلاع رسانی یک** سری از افراد در معرض پرسش قرار می گیرند و این پرسش دومینو وار به نهادی منتقل می شود که بازجو به آن تعلق دارد.

متأسفانه در برخی مواقع این تهدیدات باعث شده تا خانواده ها از اطلاع رسانی پرهیز کنند. نهادهای امنیتی از روش های بسیاری برای وادار کردن خانواده ها به سکوت استفاده می کنند. تهدید به بازداشت خانواده و دیگر فرزندان آنان، از سلب حق تحصیل و اخراج از محیط کار تا ایجاد اختلاف میان اعضای خانواده، که در برخی موارد این تهدیدات عملی نیز می شود. حتی خانواده را تهدید می کنند که اطلاع رسانی وضعیت زندانی را بدتر کرده و حتی ممکن است به اعدام او منجر شود. روش دیگر تطمیع است. این روش بسته به شرایط سیاسی یا اقتصادی خانواده ها بکار می رود. در برخی موارد این تطمیع می تواند جنبه حقوقی هم داشته باشد. به این معنی که با وعده کاهش مجازات می کوشند تا خانواده را فریب داده و مانع از اطلاع رسانی شوند.

علیرغم تهدیداتی که صورت می گیرد؛ شواهدی وجود ندارد که اطلاع رسانی باعث وخیم تر شدن وضعیت زندانی شده باشد. هر چند در مواردی خانواده و وکلای آنان به خاطر اطلاع رسانی بازداشت موقت شده، برای آنان پرونده سازی کرده اند و حکم صادر شده است. اما هیچگاه وضعیت خود زندانی را بدتر نکرده است. اما بارها رخ داده که به علت عدم اطلاع رسانی خانواده، زندانی فشار زیادی را در دوره بازجویی خصوصاً در 48 ساعت اول بازداشت را تحمل کرده است.

بازجو به زندانی می گوید: « فقط به خانواده ات بگو حالم خوب است ». در مواردی بازجویان از زندانی خواسته اند تا به دوستانش در خارج کشور از داخل زندان ایمیل ارسال کند و از آنان بخواهد تا اطلاع رسانی را متوقف کنند. بازجوها همچنین تلاش می کنند از حقوق زندانیان نیز به عنوان ابزاری برای به ساکت کردن خانواده آنان استفاده کنند. حقوقی چون حق مرخصی، ملاقات و حتی تماس تلفنی و... که به دفعات دیده شده که خانواده ها متأسفانه تمکین می کنند.

دلیل دیگری که برخی خانواده ها از اطلاع رسانی رویگردان می شوند؛ استیصال است. با خانواده ها به گونه ای رفتار می شود تا نره ای امید در دل آنان بنشیند که اگر سکوت کنند عزیزانشان زودتر رها می شود. در چنین شرایطی دشوار است که بتوان خانواده را برای اطلاع رسانی مجاب کرد. خانواده در این وضعیت در اثر اعتماد یا اعتماد ناشی از استیصال حاضر به اطلاع رسانی نمی شود.

شگرد دیگر بازجویان این است که به خانواده می گویند بازداشتی فقط چند ساعت یا چند روز مهمان ماست و پس از طرح چند

پرسش به خانه باز می‌گردد. به این ترتیب از نظر روانی روی خانواده کار می‌شود که اگر اطلاع رسانی در این زمینه صورت گیرد؛ ممکن است وضعیت فرد بازداشتی پیچیده تر شود.

از طرف دیگر به زندانی می‌گویند تا چند روز دیگر بازجویی پایان یافته و آزاد می‌شود و با تاکید از او می‌خواهند تا با خانواده تماس گرفته و این خبر را اعلام کند. زندانی با خانواده تماس می‌گیرد و اطلاع می‌دهد که مسئله خاصی وجود ندارد و تا چند روز دیگر آزاد خواهد شد. این آزادی ممکن است هیچ وقت اتفاق نیفتد اما تاثیری روانی سنگینی روی خانواده‌ها می‌گذارد. این شگرد «سرکوب بی‌هزینه» است؛ در دستگاه امنیتی جا افتاده و نهادینه شده است.

### راهکارهایی برای کم اثر کردن تهدیدات

اثرگذاری تهدید برای جلوگیری از اطلاع رسانی بستگی به میزان شناخت و تجربه خانواده از مواجهه با دستگاه امنیتی دارد. برای خانواده‌هایی که نخستین بار با این پدیده روبرو می‌شوند؛ مسلماً این تهدیدات اثر گذارتر است. یکی از راهکارهای توصیه شده برای مقابله با تهدید خانواده‌ها، اطلاع رسانی «تهدید» است. یعنی تهدید خانواده‌ها به عدم اطلاع رسانی نیز باید اطلاع رسانی شود. اطلاع رسانی بهترین راهکار برای جلوگیری از تکرار تهدیدات بعدی است. هر چه قدر جامعه از این تهدیدات آگاهی داشته باشد؛ اطلاع رسانی آسان تر می‌شود.

خانواده‌ها پس از آگاهی یافتن از تاثیرات مثبت اطلاع رسانی بر وضعیت یک زندانی از یک سو و تاثیرات سوء عدم اطلاع رسانی از سوی خانواده‌ها از یک ماه تا یک سال و بیشتر می‌توانند در مقابل این تهدیدات مقاومت کرده و حس شهامت مدنی را در خویش تقویت کنند.

تجربه هم نشان داده خانواده‌هایی که خصوصاً برای نخستین بار با این پدیده روبرو می‌شوند؛ پس از آن که فشار دستگاه امنیتی زیاد می‌شود؛ به اطلاع رسانی ابراز تمایل بیشتری می‌کنند. اگر زندانی کسی است که با یک شبکه سیاسی و اجتماعی همکاری می‌کند، بیش از خانواده نظر آن شبکه درباره اطلاع رسانی ارجحیت دارد.

### توصیه‌هایی به خانواده‌ها برای مقاومت درباره تهدیدات نهادهای قضایی و امنیتی

- می‌توانید از طریق شخص ثالث یا حساب کاربری بدون نام اما به رسمیت شناخته شده از سوی فعالان حقوق بشر اطلاع رسانی کنید.
- پیش از اطلاع رسانی خوب فکر کنید و تحت فشار هیچ فرد یا نهاد و سازمانی اطلاع رسانی نکنید.
- از هر روش امنی که تمایل دارید نظیر ایمیل، یا از وسیله ارتباطی امن تماس بگیرید یا مطالب خویش را ارسال کنید.
- به زبان محلی خود اطلاع رسانی کنید.
- فریب وعده‌های مالی کسانی که به عنوان مامور امنیتی تماس می‌گیرند و می‌گویند در ازای پرداخت پول عضو خانواده شما آزاد می‌کنند؛ نخورید.
- مراقب کسانی باشید که بدون هویت مشخص از خارج از کشور تماس می‌گیرند و معلوم نیست وابسته به کجا هستند. ابتدا این افراد را به خوبی شناسایی کنید و پس از تشخیص هویت آنان و کسب اعتماد اطلاعات خود را در اختیار آنان قرار دهید.
- توجه کنید که عضو خانواده شما در زندان نمی‌خواهد شرایط سخت خویش را با شما در میان گذارد و موجب آزردن خاطر شما بیشتر شما شود.
- توجه کنید که عضو خانواده شما یک کنشگر است و برای کنشگر مطلوب این است که درباره او اطلاع رسانی صورت گیرد در صورتی که دیگر دوستان و همفکران او نیز موافق باشند.
- شما می‌توانید با شرط محفوظ ماندن نام خویش با سازمان حقوق بشری تماس بگیرید. توجه داشته باشید که این سازمان‌ها به هیچ عنوان هویت خانواده‌ها را فاش نمی‌کنند.

- توجه داشته باشید تصمیم‌گیری برای اطلاع‌رسانی با شما است و کسانی که در سازمان‌های حقوق بشری کار می‌کنند در جایگاهی نیستند که به شما اصرار کنند تا موضوعی را رسانه‌ای کنید.
- اگر شما یا وکیل شما به یک سازمان‌های بین‌المللی اجازه دهد؛ آن سازمان می‌تواند شکایت شما را به یکی از کارگروه‌های مرتبط در سازمان ملل ارجاع دهد بدون آن که هویت شما فاش شود.
- فعالان حقوق بشر باید به شما اطمینان دهند که از هویت شما محافظت می‌کنند. یعنی اطلاعات شما نه در تنها عرصه عمومی منتشر نمی‌شود بلکه در اختیار شخص ثالث دیگری قرار ندهند و اگر هم نیاز به چنین کاری بود حتماً از شما یا وکیل شما اجازه بگیرند. شما می‌توانید تعیین کنید کدام بخش از اطلاعات شما علنی شود و کدام بخش علنی نباشد و همچنین کدام بخش در اختیار گزارشگران سازمان ملل قرار گیرد.
- از تجربیات فعالان حقوق بشر درباره اطلاع‌رسانی استفاده کنید.
- توجه کنید که اطلاع‌رسانی زمانی که عضو خانواده شما زیر بازجویی و در انفرادی قرار دارد بیش از حق ملاقات هفته‌ای یک بار می‌آورد.
- توجه کنید که هیچ خانواده‌ای به خاطر اطلاع‌رسانی در نخستین بار تهدید و بازداشت نمی‌شود.
- توجه کنید که معمولاً بازجوها یا ماموران امنیتی اگر بخواهند خانواده‌ها را تهدید کنند؛ چیزی نمی‌گویند که برایشان مسئله برانگیز شود.
- به وعده‌های بازجویان و دادیاران برای کمک به عزیز خود در ازای سکوت اهمیت ندهید.
- سعی کنید درباره رفتار بازجویان با زندانی آنچه واقع شده را بدون کم و کاست بیان کنید.

### نکات قابل طرح در اطلاع‌رسانی:

مستندسازی‌هایی که در اطلاع‌رسانی صورت‌بندی می‌شود؛ می‌تواند مبنای کار سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته و نهایتاً برای تحقیقات کیفری چه در داخل و چه در خارج کشور مورد استناد قرار گیرد. از این رو مستندسازی هر آن چه برای زندانی رخ می‌دهد، بویژه درباره وضعیت اولیه زندانی و برخورداری وی از حقوق اولیه خویش حائز اهمیت است. این که در چه شرایطی بازداشت صورت گرفته، احضاریه یا حکم جلب وجود داشته، بازداشت توأم با خشونت بوده یا خیر؛ فعال مدنی در کدام بازداشتگاه به سر می‌برد و آیا به وکیل دسترسی دارد یا خیر؟

در خصوص احضار مکرر نیز که معمولاً به بازداشت ختم نمی‌شود اما ممکن است چندین بار صورت بگیرد؛ باید توجه داشت که این خود یک سیستم برای جمع‌آوری اطلاعات و بازجویی غیر مستقیم و بدون هزینه برای دستگاه امنیتی است. اطلاع‌رسانی در این زمینه مورد به مورد فرق می‌کند و باید ملاحظات بیشتری در نظر گرفته شود. توصیه مشخص در این زمینه به فعالان این است که به احضاریه‌های تلفنی اهمیت ندهند و تنها اگر احضاریه کتبی دریافت کردند؛ مراجعه کنند. چون احضاریه کتبی معمولاً یک پروسه ای را طی می‌کند و به این معنی است چند شخص در دستگاه قضایی و امنیتی در جریان آن قرار دارند.

رعایت قانون از سوی مامورین بازداشت‌کننده نیز از نکات مهمی است که باید اطلاع‌رسانی شود. رفتار مامورانی که به خانه مراجعه می‌کنند یا هجوم می‌آورند باید زیر ذره بین قرار گیرد. نحوه برخورد ماموران بسیار مهم است. یک مامور اجازه توهین یا برخورد ناشایست را ندارد و باید مبادی آداب را رعایت کند و از خشونت کلامی یا فیزیکی بپرهیزد.

### ذکر علت بازداشت در اطلاع‌رسانی

اگر علت بازداشت مشخص باشد؛ می‌توان آن را در اطلاع‌رسانی ذکر کرد اما در صورت ابهام می‌توان با زیرکی خاصی اطلاع‌رسانی کرد تا برای زندانی در دوسری در آینده ایجاد نکند. بیان صحیح علت بازداشت اهمیت زیادی دارد؛ علت بازداشت باید دقیق، روشن و شفاف ذکر شود.

بیان صحیح موضوع بازداشت می‌تواند حساسیت رسانه‌ها و ناظران حقوق بشر را بیشتر به خود جلب کند. نکات دیگر در اطلاع

رسانی بیان شدن روشن مشخصات فردی، شغل، تحصیلات و محل زندگی فرد بازداشت شده در اطلاع رسانی است که باید بدون اشتباه باشد.

باید توجه داشت برای اطلاع رسانی درباره اشخاص ناشناخته تر می توان از پرداختن به محتوای پرونده و دلیل بازداشت پرهیز کرد ولی تا جای ممکن به حواشی بازداشت اشاره کرد. در واقع هر داده و جزئیات مهمی که از درون زندان درباره اشخاص ناشناخته بیرون می آید؛ قابلیت اطلاع رسانی دارد .

#### مواردی که می توان در مرحله اول بازداشت در اطلاع رسانی کرد:

- بازداشت در چه زمانی صورت گرفته است؟
- محل بازداشت کجا بوده است؟
- بازداشت چگونه صورت گرفته است؟
- کدام نهاد امنیتی بازداشت کرده است؟
- چه تعداد مامور حین بازداشت حضور داشته اند؟
- آیا حکم بازداشت وجود داشته و رویت شده است؟
- آیا رفتار ماموران با پرخاش و توهین همراه بوده است؟
- آیا رفتار ماموران با خشونت و ضرب و شتم فرد بازداشت شده و خانواده همراه بوده است؟
- چه وسایلی از زندانی ضبط شده است؟
- زندانی به کدام بازداشتگاه منتقل شده است؟
- آیا زندانی تماسی با خانواده برقرار کرده است؟
- حال عمومی زندانی چگونه بوده است؟

#### مواردی که باید در مراحل بعدی بازداشت در اطلاع رسانی ذکر شود:

- جزئیات مربوط به رعایت آیین دادرسی و حکم صادره دادگاه پس از مشورت با وکیل - وضعیت داخل زندان و امکانات عمومی زندانی ( حق ملاقات، حق دسترسی به کتاب، حق تحصیل و سایر امکانات پیش بینی شده در آیین نامه سازمان زندان ها
- سلامت و بهداشت زندانی
- برخورد کادر پزشکی و درمانی زندان با زندانی
- وضعیت تغذیه زندانی
- مسائل پیرامونی زندان و ارتباطات وی با سایر همبندیان
- فعالیت های مدنی زندانی در گذشته و حال
- وضعیت خانواده و مشکلات جاری آنان

#### اشتباهات رایج در جریان اطلاع رسانی:

اطلاع رسانی برای زندانی سیاسی امری پیچیده است. رسیدن به این تصمیم که چه بیان شود تا به صلاح زندانی باشد؛ امر ساده ای نیست. در این شرایط بهترین راه حل، پذیرش اصل بیان حقیقت است. این که اطلاعات موهوم و مجعول و سردرگم کننده ندهیم. بیان وضع موجود خود یک پروژه سیاسی است. این که ما اصل را بر این بنا نهیم که اطلاع رسانی به وضعیت زندانی کمک می کند یا نمی کند؛ استدلال صحیحی نیست. بلکه اصل آن است که حقیقت گفته شود.

با این وجود مواردی که ممکن است خطری برای فرد بازداشت شده داشته باشد را باید با احتیاط و مشورت اطلاع رسانی کرد. به طور مثال اگر فرد قبل از بازداشت نکاتی را گفته که ممکن است به نفع او نباشد؛ بهتر است در گام اول اطلاع رسانی نشود. در واقع قاعده کلی «ضرر نرسانید» باید در اطلاع رسانی حاکم باشد.

اصل همواره بر اطلاع رسانی است هر چند موارد استثنایی همواره وجود دارد. ممکن است فردی را برای یک پرسش و پاسخ کوتاه احضار شده باشد و نیازی به اطلاع رسانی احساس نشود که آن هم باز بستگی به پرونده وی دارد. اما این موارد را نمی توان عمومیت داد.

بزرگترین اشتباهی که هنگام اطلاع رسانی می تواند رخ دهد طرح موضوع با افراد بی تجربه است. فرد مورد مشورت باید حداقل فردی آشنا با مسائل سیاسی باشد و به دفعات در این زمینه اطلاع رسانی کرده باشد. معمولاً یکی از جلسات بازجویی به موضوع اطلاع رسانی اختصاص دارد. در مرحله بازجویی نباید اطلاعاتی در فضای عمومی منتشر شود که بازجو بتواند از آن علیه فرد بازداشت شده استفاده کند.

پس از بازداشت این پرسش عموماً مطرح می شود که چرا شخص بازداشت شده است. با طرح این پرسش و پاسخ به آن می توان تخمین زد که قرار است او را تا چه زمانی در بازداشتگاه نگه دارند. دستگاه امنیتی چه پروژه ای دارد و آیا قرار است افراد دیگری نیز بازداشت شوند یا خیر. اما این تخمین و ارزیابی اولیه را نباید مستقیم به مرجع امنیتی تقدیم کرد. چون در پاره ای موارد دقیقاً روشن نیست چرا فرد بازداشت شده است. ممکن است دستگاه امنیتی قصد آزادی وی را داشته باشد ولی پس از اطلاع رسانی نادرست این روند به تعویق افتد. نباید بدون اطلاع کافی، بازداشت کسی را برجسته کرد و تا جای ممکن باید اطلاعات سوخته درباره فعالیت های وی ارائه شود. گمانه زنی یا ارائه داده اضافی ممکن است زندانی را با خطر روبرو کند. صحبت کردن درباره فعالیت های غیر مرتبط فرد بازداشت شده با دلیل اصلی بازداشت اشتباه بزرگی است که برخی اوقات حین اطلاع رسانی صورت می گیرد.

#### توصیه به خانواده ها برای پرهیز از اشتباه در امر اطلاع رسانی

- مشخصات فردی زندانی از جمله نام، سن، محل زندگی و شغل اصلی فرد بازداشت به دقت بیان شود.

- شیوه بازداشت، روز و ساعت بازداشت، رفتار ماموران و ضبط متعلقات فرد بازداشت به دقت اطلاع رسانی شود.

- از هر گونه گمانه زنی یا ارائه داده اضافی ممکن است زندانی را با خطر روبرو کند؛ پرهیز شود.

#### زمان صحیح اطلاع رسانی:

اطلاع رسانی باید فوری انجام شود. یعنی بسیار مهم است که اطلاع رسانی اولیه در همان چهل و هشت ساعت اول بازداشت صورت گیرد. چون در ایران حقوق اولیه فرد بازداشت شده از جمله حق ملاقات با وکیل و خانواده از وی سلب می شود؛ اطلاع رسانی فوری می تواند تا حدودی این کاستی را جبران کند.

بی خبری از زندانی هنگامی که او در اختیار بازجویان قرار دارد، فشار بر زندانی را مضاعف سازد و موجب ارائه اطلاعات بیشتر او به بازجویان شود. از این رو اطلاع رسانی از لحظه دستگیری اهمیت پیدا می کند. حتی در برخی مواقع اطلاع رسانی می تواند در زمانی که فرد به نهاد امنیتی احضار شده، یعنی پیش از بازداشت صورت گیرد. هر چه زمان بازجویی و انفرادی بیشتر می شود؛ این نگرانی را ایجاد می کند که وضعیت زندانی به وخامت می گذارد. در واقع گذشت بیش از 48 ساعت از

بازجویی نشانه ای است از وضعیت نامساعد زندانی زیر بازجویی.

اطلاع رسانی فوری و به هنگام، خطر شکنجه و به قتل رسیدن که احتمال آن در 48 ساعت اول محتمل است را کاهش می دهد. اطلاع رسانی به موقع در واقع از فشارهای اولیه و خطرات احتمالی روی زندانی می کاهد و ماموران امنیتی را نسبت به مراقبت از سلامت وی هشیارتر می کند. از سوی دیگر اطلاع رسانی به موقع نهادهای حقوق بشری را نیز حساس تر می کند و امکان راستی آزمایی اخبار پیرامون زندانی را نیز سرعت می بخشد.

چهل و هشت ساعت اول بازداشت همچنین بهترین شرایط برای ماموران امنیتی است که از وضعیت پریشان و شوکی که به فرد بازداشت شده وارد شده استفاده کنند تا هر آن چه آنان می خواهند بنویسد و امضا کند. آشفتگی روانی زندانی در روزهای اول معمولاً باعث می شود زندانی در بسیاری از موارد تسلیم شود در حالی که اطلاع رسانی در همان 48 ساعت اول به ماموران امنیتی هشدار می دهد که افرادی خارج از زندان جویای حال فرد بازداشت شده هستند.

در 48 ساعت اول همچنین مهم است که خانواده ها بتوانند حساب های کاربری فرد بازداشت شده را ببندند تا در حد امکان بشود از دسترسی به اطلاعات حساس او جلوگیری شود و نزدیکانش نیز در جریان باشند تا از حساب های کاربری خود بیشتر محافظت کنند. از نظر زمان اطلاع رسانی البته نهادهای بازداشت کننده را باید تفکیک کرد. بازداشتی های نیروی انتظامی در برخی مواقع به دادگاه نمی رسد و احتمال آن که فرد در 24 ساعت اول آزاد شود؛ وجود دارد. اما بازداشتی های وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه هدفمند است و با برنامه ریزی قبلی صورت گرفته است.

به طور مثال وقتی شهروندی عادی در یک اعتراض خیابانی بازداشت شده توصیه نمی شود که فوراً اطلاع رسانی شود. اینجا نقش نهاد بازداشت کننده نیز در اطلاع رسانی می تواند مدنظر قرار گیرد. اگر نیروی انتظامی بازداشت کرده بهتر است اندک زمانی درنگ شود؛ خصوصاً در بازداشت های گروهی که معمولاً امکان آزادی تعدادی از بازداشت شدگان وجود دارد. زیرا اطلاع رسانی ممکن است حساسیتی روی آن فرد ایجاد کند و آزادی وی را به تاخیر اندازد یا منتفی کند. در این شرایط می توان معمولاً 24 ساعت منتظر ماند.

موارد زیادی هست که بازداشت یک شب بیشتر به طول نکشیده است. ممکن است به خاطر تعطیلات یا شرایط خاص یک شب فرد را نگه دارند و بعد آزاد شود. البته این روش مطلق نیست و بسته به شرایط فرد و احتمال شکنجه ممکن است به اطلاع رسانی بی درنگ نیاز باشد. بویژه اگر زندانی ظرف 24 ساعت آزاد نشود. چنانچه زندانی در این زمان با بیرون تماسی داشته می توان آن تماس را مبنای اطلاع رسانی قرارداد.

در مجموع روال نیست که کسی را بخاطر اطلاع رسانی مدت بیشتری در بازداشت نگه دارند. ممکن است چنین اتفاقی در اثر رویکرد متفاوت ماموران امنیتی در شهرهای مختلف صورت گیرد؛ اما قاعده نیست.

باید توجه داشت که بسیاری از بازداشت ها به صورت ربودن انجام می شود. یعنی یا در خانه و خیابان در حالی که فرد تنها است؛ بازداشت می شود و هیچ کس خبر ندارد چه اتفاقی افتاده است. در آن شرایط فرد بازداشت شده در شوک به سر می برد و نمی داند چه اتفاقی برای او روی داده است. برای او مشخص نیست کجا است و در سردرگمی بسر می برد. خصوصاً در اولین تجربه بازداشت.

## چند توصیه مشخص به خانواده ها درباره فوریت اطلاع رسانی

- نگذارید خبر بسوزد. خبر باید در زمان خودش منتشر شود و حتما در لحظات آغازین بازداشت اطلاع رسانی صورت بگیرد.

-تاخیر در اطلاع رسانی فقط زمانی جایز است که شما یا وکیل شما با اطلاع کامل از فرایند اطلاع رسانی دلیل مشخصی برای آن دارید. نظیر تداخل خبر با رویدادی که کل فضای رسانه ای را در بر گرفته کرده یا احتمال آزادی زندانی با قرار وثیقه یا موارد از این دست وجود دارد.

## روش اطلاع رسانی:

برای سازمان های حقوق بشری و رسانه ها که قصد اطلاع رسانی و پیگیری موضوع بازداشت را دارند، دریافت اطلاعات صحیح امری حیاتی است. اگر منبع از سوی نهادهای حقوق بشری راستی آزمایی شود و امکان مصاحبه حتی کوتاه وجود داشته باشد؛ امر اطلاع رسانی و پیگیری اصالت می یابد. نهادهای حقوق بشری همواره با احتیاط به اطلاعات مربوط بازداشت ها می نگرند زیرا انتشار اطلاعات نادرست یا اغراق آمیز به اعتبار آنان لطمه جدی وارد می کند. باید توجه داشت نیروی انسانی نهادهای حقوق بشری برای راستی آزمایی هر اطلاع رسانی محدود است.

برای اطلاع رسانی اعضای درجه اول خانواده زندانی یا وکیل وی در اولویت قرار دارند مگر آنکه زندانی به یک جامعه اقلیت تعلق داشته باشد؛ نظیر جامعه بهائیت یا جامعه درویش گنابادی و مواردی از این دست. پیام رسانی از طریق افراد شناخته شده نتیجه ای به مراتب موثرتر دارد. همچنانکه اطلاع رسانی از طریق رسانه ها فراگیرتر است.

روش اطلاع رسانی بنابر دسترسی خانواده ها به رسانه و تجربه آنان در اطلاع رسانی می تواند متفاوت باشد. خانواده هایی که به رسانه های فراگیر دسترسی ندارند می توانند از طریق رسانه های اجتماعی اطلاع رسانی کنند. این رسانه ها معمولا روزانه از سوی فعالان حقوق بشر رصد می شود. رسانه های اجتماعی همچنین می توانند نقش ضربه گیر را ایفا کند. زمانی که خانواده به خاطر تماس با رسانه های عمدتا خارج از کشور و اطلاع رسانی از طریق آنان تحت فشار قرار می گیرد؛ می تواند با اطلاع رسانی در رسانه های اجتماعی هزینه خود را برای اطلاع رسانی کاهش دهد؛ به نحوی که اگر هم خبر مربوط به زندانی در رسانه های فراگیر بازتاب یابد؛ خانواده از مسئولیت آن مبرا شود.

از این رو اگر خانواده در رسانه های اجتماعی مخاطب دارد؛ توصیه می شود ابتدا از آن طریق اطلاع رسانی کند. این روش به جهت آن که تبعات کمتری برای خانواده ها دارد؛ با اقبال بیشتری از سوی شهروندان روبرو است. تجربه وکالت نیز نشان می دهد که این روش دست وکیل را برای دفاع از زندانی را در دادگاه باز نگه می دارد. تنها باید به این نکته توجه داشت در صورتی که خانواده قصد شکایت به نهادهای بین المللی حقوق بشری را دارند؛ محتویات رسانه های اجتماعی الزام نمی تواند مورد استناد سازمان های حقوق بشری قرار گیرد. برای این سازمان ها مستندات چون احضاریه، حکم دادگاه، برگه پزشکی قانونی؛ مصاحبه با وکیل و خانواده و اشخاص نزدیک به فرد بازداشت شده مبنای بررسی قرار می گیرد. این مستندات باید از طریق پیام رسان های امن ارسال شود.

اگر خانواده ای امکان و تجربه ای برای اطلاع رسانی از طریق رسانه های اجتماعی ندارد؛ لازم است برای اطلاع رسانی ابتدا با افراد آگاه مشورت کند حتی اگر این امر منجر به تاخیر در امر اطلاع رسانی شود و سپس با صلاحدید افراد آگاه و مطمئن، اطلاع

رسانی را در اولین فرصت ممکن آغاز نماید. تجربه نشان داده اطلاع رسانی اگر ابتدا در داخل کشور صورت گیرد اثرگذاری به مراتب بیشتری دارد؛ هر چند رسانه های داخل ایران به ندرت به این اخبار می پردازند. وقتی یک فعال مدنی بازداشت می شود؛ ابتدا باید کسانی را که با وی رابطه سیاسی و اجتماعی دارند؛ آگاه کرد. چون مرتبین با وی نیز در خطر هستند و این اطلاع رسانی به مرتبین فرصت می دهد که یا مخفی شوند یا دست کم اطلاعات حساس خود را از بین ببرند.

اطلاع رسانی برای افراد شناخته شده از طریق هر وسیله ای ممکن است اما برای افراد شناخته نشده باید ملاحظاتی را در نظر گرفت. یک فعال مدنی که شناخته شده نیست باید پیش از آن که بازداشت شود اطلاعاتی را در اختیار خانواده اش قرار دهد که اگر روزی بازداشت شد با یک نهاد حقوق بشری تماس بگیرد تا آنها حساب شده و دقیق موضوع را پیگیری کنند. در خیلی موارد دیده شده که خانواده های فعالان مدنی اطلاعی از فعالیت آنان ندارند یا حتی مخالف آن هستند. از این رو فعال مدنی باید تلاش کند تا سرخ هایی به نهادهای حقوق بشری و رسانه ها بدهد که اگر بازداشت شد؛ خانواده اش بتوانند بر آن اساس اطلاع رسانی کنند. ابزارهای اطلاع رسانی نیز بر حسب موقعیت افراد و خانواده ها متفاوت است. کسانی که در حاشیه کشور زندگی می کنند و دسترسی حتی به فضای مجازی ندارند؛ می توانند از دوستان و آشنایان فرد بازداشت شده بخواهند تا حدالمقدور مسیری برای اطلاع رسانی پیدا کنند.

#### توصیه هایی به خانواده ها برای انتخاب روش صحیح اطلاع رسانی

- اگر تجربه ای در اطلاع رسانی ندارید؛ ابتدا با فردی آگاه مشورت کنید.
- اگر دسترسی محدودی به رسانه ها و شبکه های اجتماعی ن دارید؛ ابتدا به دوستان؛ همکاران و آشنایان فرد بازداشت شده اطلاع دهید.
- اگر در رسانه های اجتماعی فعالیت دارید؛ خبر بازداشت را بی کم و کاست، بدون در نظر گرفتن احساسات و بدون حدس و گمان منتشر کنید
- بکوشید ابتدا با یک روزنامه نگار حقوق بشر قابل اعتماد ارتباط برقرار کنید. خبرگزاری هرانا می تواند گزینه ای معتبر باشد
- تجربه نشان داده که اطلاع رسانی برای نخستین بار هزینه ای به خانواده ها وارد نمی کند. با این وجود می توانید با مخفی کردن هویت خویش با رسانه ها یا نهادهای حقوق بشری تماس بگیرید.
- خبر بازداشت را ابتدا به حلقه نزدیکان فرد بازداشت شده انتقال دهید.
- فعالان مدنی می توانند فرایند اطلاع رسانی صحیح را به خانواده ها ی خویش آموزش دهند.

#### وکیل و اطلاع رسانی

اطلاع رسانی وکیل در وضعیت پرونده زندانی تاثیر قابل ملاحظه ای دارد. یکی از فنون وکیل در دفاع از زندانی، استفاده از اطلاع رسانی صحیح است. وکیل وقتی می بیند که ابزار قلم و استدلالش در محکمه کارا نیست به رسانه متوسل می شود. این عمل باعث می شود تا قاضی و مسئولان پرونده قدری فضا را بر خود تنگ ببینند و در مواردی ناچار شوند که همراهی کنند و حتی در مجازات زندانی را نیز تخفیف قائل شوند. موارد زیادی از این دست وجود دارد. در مواردی دیده شده که وکلا با اطلاع رسانی موفق شدند فشار وارده بر زندانی از جمله فشار برای تن دادن به اعترافات تلویزیونی را خنثی کنند. با در نظر گرفتن این ملاحظه که وکیل فرد مستقلی است و مطابق منافع زندانی کار می کند؛ باید توجه کنیم که وکیل دسترسی به اطلاعات از پرونده زندانی دارد که منحصر به فرد است. از این رو هماهنگی با وکیل در اطلاع رسانی به صواب نزدیکتر است. وکیلی که با رسانه هماهنگ است، بزنگاه های اطلاع رسانی را به خوبی می تواند تشخیص دهد و هماهنگی رسانه با وکیل روند اطلاع رسانی را به سود زندانی بهبود می بخشد. از وکلایی که تجربه بیشتری دارند انتظار بیشتری در زمینه اطلاع رسانی می رود به ویژه زمانی که حقوق موکلشان نقض می شود.

در اطلاع رسانی توصیه می شود تا با وکیل مشورت شود حتی اگر وکیل در آن لحظه دسترسی به فرد زندانی یا پرونده او نداشته باشد اما تصمیم گیری برای اطلاع رسانی بر عهده خانواده است. وکیل در مجموع نقش مهمی در پیشرفت پرونده به نفع زندانی دارد اما به طور عموم نمی توان از وکیل انتظار داشت تا مسئولیت اطلاع رسانی را بر عهده بگیرد. با این حال ممکن است که زندانی بخواهد که وکیلش در این زمینه نیز مسئولیتی را بپذیرد. وکیل می تواند میزان تاثیر اطلاع رسانی را برای خانواده یا شبکه سیاسی، اجتماعی زندانی تخمین بزند. به طور مثال فردی به

15 سال زندان محکوم شده در حالی انتظار حکم اعدام وجود داشته است. وکیل در این شرایط موقتاً توصیه به عدم اطلاع رسانی کرده تا بلکه بتواند این حکم را کمتر کند. در این شرایط صلاح است که به توصیه وکیل عمل شود و کار اطلاع رسانی و هماهنگی با او پیش رود. اما این بدان معنا نیست وکیل به خود اجازه دهد برای خانواده در زمینه اطلاع رسانی تعیین تکلیف کند. از این رو انتخاب نوع وکیل از سوی خانواده ها اهمیت دارد. اگر خانواده ای نخواهد که درباره پرونده اطلاع رسانی شود؛ طبیعتاً سراغ وکیلی می رود که تمایل کمتری به این کار دارد و صرفاً کار حقوقی خودش را می کند. در این شرایط نباید از وکیل انتظار داشت که اطلاع رسانی نیز انجام دهد.

به باور برخی کارشناسان یک شاخص اصلی برای شناخت وکیل مسئولیت پذیر وجود دارد. به باور آنان وکیل حقوق بشر آگاه کسی است که به خانواده بگوید من کار حقوقی خودم را انجام می دهم به این امید که برای قاضی و دادستان پرونده رعایت قانون اهمیت داشته باشد؛ وکیلی که در عین حال نقش خانواده را نیز برای اطلاع رسانی به رسمیت بشناسد.

اما اگر وکیل بدون ذکر دلیل توصیه به سکوت کند؛ نمی تواند به نفع زندانی تمام شود. یکی از دلایل توصیه برخی وکلا به عدم اطلاع رسانی می تواند ناشی از وعده های توخالی باشد که بازپرسان پرونده می دهند که در صورت عدم اطلاع رسانی همکاری می کنند تا حکم سبکتری صادر شود. در مواردی که زندانی متهم به اقدام مسلحانه شده، مشورت با وکیل برای اطلاع رسانی اهمیت مضاعف می یابد و باید از او پرسیده شود زندانی در چه شرایطی قرار دارد و فشار رسانه ای چه تبعاتی می تواند برای او داشته باشد.

#### توصیه هایی به خانواده ها برای انتخاب وکیل:

- وکیلی را انتخاب کنید که بر ضرورت اطلاع رسانی آگاه باشد.
- از وکیل انتظار نداشته باشید مسئولیت اطلاع رسانی را بر عهده گیرد.
- برای انتخاب وکیل با نهادها و فعالان حقوق بشر شناخته شده مشورت کنید.
- اگر وکیل توصیه به عدم اطلاع رسانی کرد؛ از او دلیل طلب کنید.
- از وکیل بخواهید سقف زمانی مشخصی برای عدم اطلاع رسانی مشخص کند.
- علاوه بر وکیل یک فعال حقوق بشر و فعال رسانه ای معتمد نیز در کنار خویش داشته باشید.

#### آگاهی عمومی و تداوم اطلاع رسانی:

تداوم اطلاع رسانی به میزان خود اطلاع رسانی اهمیت دارد. وقتی خبر بازداشت یک زندانی منتشر ولی بعد رها شود و دیگر هیچ خبری از آن زندانی نباشد؛ یا این خبر گزیده گزیده و نوبه ای کار شود؛ از تاثیر اطلاع رسانی می کاهد. از این رو نباید اجازه داد فیتیله اطلاع رسانی درباره زندانیان سیاسی پایین آورده شود. بلکه می توان با اطلاع رسانی پیوسته از زندانی یاد کرد تا احساس نکند

که در زندان رها شده است. اطلاع رسانی مداوم به زندانی قوت قلب می دهد و روحیه او را تقویت می کند.

اطلاع رسانی مداوم همچنین هزینه بازداشت بازداشت را نیز افزایش می دهد. درست است که حکومت شخصی را بازداشت می کند اما خودش هم در معرض نقد افکار عمومی قرار می گیرد. از این رو تلاش میکند تا این کار حدالمقدور در سکوت انجام شود تا هزینه کمتری بپردازد. این تصور را نباید داشت که بازداشت زندانی برای حکومت اهمیتی ندارد. دیپلمات ها و مقامات رسمی جمهوری اسلامی به طور متناوب تحت فشار افکار عمومی بین المللی هستند ولی این فشار از سوی مردم احساس نمی شود. در واقع حکومت بابت تک تک افرادی که درباره آنان اطلاع رسانی می شود؛ هزینه می دهد و تحت فشار قرار می گیرد. از سوی دیگر تداوم اطلاع رسانی پیامی است به حکومت که یاد زندانی هنوز زنده است و نمی توانند بدون هزینه حذفش کنند.

زندانیانی که شناخته شده اند و رسانه ها به اندازه کافی به آنان پرداخته اند می توانند سفیر بقیه زندانیان در پروسه تداوم و پیوستگی اطلاع رسانی و صدای بقیه زندانیانی باشند که صدا ندارند و گمنام هستند؛ همچنین شاهدهی از شرایط و مناسبات زندان؛ امکانات و وضعیت زندانیان دیگر.

اطلاع رسانی صرفاً انتشار چند خبر از زندانی نیست؛ بلکه می تواند تا آزادی زندانی از زندان ادامه داشته باشد. متأسفانه به علت تعداد زیاد زندانیان این امکان برای رسانه ها و نهادهای حقوق بشری وجود ندارد که مداوم درباره همه زندانیان اطلاع رسانی کنند. اما خانواده ها می توانند به نهادهای حقوق بشری و رسانه ها فشار وارد آورند یا در شبکه های اجتماعی فعالیت پررنگ تری داشته باشند تا در روند اطلاع رسانی گسستی ایجاد نشود. فقدان این پیگیری ممکن است از توجه فعالان حقوق بشر به زندانیان کمتر شناخته شده کاسته شود.

### توصیه هایی به خانواده ها در زمینه تداوم اطلاع رسانی

- فعالیت های داخل زندان عضو خانواده خویش را بازتاب دهید. بازتاب رسانه ای این فعالیت ها اهمیت زیادی برای پایداری بیشتر زندانی دارد؛ بویژه برای کسانی که به خاطر پروژه سیاسی خویش در حبس بسر می برند.
- بی خبری از زندانی خودش یک خبر است. یعنی اگر شما خبری از زندانی سیاسی خود ندارید همین بی خبری نیز ارزش اطلاع رسانی دارد.
- تداوم اطلاع رسانی صحیح و اصولی می تواند به آزادی کامل زندانی سیاسی منجر شود.
- اگر حین ملاقات از کمبود ها و مشکلات جاری زندان نیز آگاهی یافتید؛ درباره آن اطلاع رسانی کنید.

### کودکان و اطلاع رسانی:

اطلاع رسانی همواره به معنای اطلاع رسانی عمومی نیست. یعنی می توان به نحوی اطلاع رسانی کرد که عمومی نشود. این قضیه بویژه درباره کودکان صدق می کند. گزارش کردن بازداشت کودکان به سازمان های بین المللی مدافع حقوق کودک نوعی اطلاع رسانی خاص است که اگر مسیر خویش را به درستی طی کند؛ می تواند بسیار موثر باشد. سازمان بین المللی یونیسف به طور مثال می تواند بدون آنکه نامی از کودک و خانواده های آنان ذکر شود؛ موضوع را از دولت و هیات های نمایندگی آنان در مجامع بین المللی پیگیری کرده و بر آنان فشار وارد سازد.

حق دانستن، حق شنیده شدن و حق حفظ حریم خصوصی اصول « اطلاع رسانی با رعایت حقوق کودک » است. از این رو حق

اطلاع رسانی برای والدین زندانی نباید به نقض حق کودک با این استدلال شود که اگر والد آزاد شد مشکل کودک نیز حل خواهد شد.

در قضیه بازداشت والدین همواره اصل بر راستگویی به کودک است. به جای پنهان کردن داستان، باید با کودک گفت و گو کرد و از او پرسید در این باره چه می داند. اگر در صحنه دستگیری حضور داشته چقدر از آن را بخاطر دارد؛ اگر حضور نداشته چه از آن می داند. چه حسی در برابر بازداشت والدین خویش دارد و درباره آن چه فکر می کند. در این گفت و گو می توان قدری از فشارهای درونی کودک که ناشی از اطلاعات او از شرایط والدین هست را کم یا تلطیف کرد. در این زمینه باید از متخصصان کمک گرفت که تاثیر توصیف زجر یک مادر در زندان چه تاثیری می تواند بر فرزند وی بگذارد وقتی که ممکن است این مطلب را همان روز یا وقتی که بزرگتر شد؛ بخواند؟ این حوزه یک امر کاملا تخصصی است. باید مراقب بود و در نظر داشت که چطور می توان اطلاع رسانی کرد که به بروز یک آسیب اجتماعی نینجامد. زیرا آثار روانی زندان والدین بر کودکان را حتی از مرگ والدین نیز بیشتر ارزیابی کرده اند.

برای اطلاع رسانی درباره کودکان اصل بر مخفی ماندن هویت کودک؛ پرهیز از هویت سازی برای کودک و انگ زدن به وی است و در عین حال اخذ جزئیات روند بازداشت؛ موقعیت کودک و شرایط نگهداری از اوست. اطلاع رسانی درباره کودک بدون اجازه والدین ممنوع است. در این زمینه باید بسیار حساس بود و تا زمانی که از رضایت والدین اطمینان کافی حاصل نشده باشد؛ نمی توان اطلاع رسانی کرد. کودک و والدین همچنین باید در جریان جزئیات آنچه که قرار است اطلاع رسانی شود؛ باشند. به طور مثال این اطلاع رسانی کجا منتشر خواهد شد؛ چطور قرار است پخش شود و این پخش به چه معنایی دارد.

کودکان زیر 15 سال به هیچ عنوان نمی توانند منبع خبر باشند. زیرا ما باید اطمینان حاصل کنیم که خبر با عواطف و ذهنیات کودک مخلوط نمی شود. اما با در نظر گرفتن ملاحظات ذکر شده کودکان می توانند مرجع گفت و گو باشند. یعنی از خودشان بگویند و تجربه ای که داشته اند را بیان کنند. شنیدن از خود کودک و این که جامعه از زبان کودک تجربیات او را بشنود؛ بسیار اهمیت دارد. از طرفی دیگر موضوع برانگیخته شدن احساسات کودکان حین اطلاع رسانی نیز اهمیت دوچندانی دارد. بویژه این که کودک با تروما و آسیب های روانی دیگری نیز روبرو باشد. از این رو لازم است همراه کودک کسی همچون روانشناس یا فرد آگاه دیگری باشد که بتواند او را در این شرایط یاری کند. اینکه شخص همراه صرفا بزرگسال باشد کفایت نمی کند بلکه باید تجربه کافی در این زمینه داشته باشد و بتواند آن حمایت را دریافت کند.

**توصیه به خانواده ها در خصوص اطلاع رسانی کودکانی که والدین آنان بازداشت شده اند:**

- اطلاع رسانی درباره وضعیت و شرایط کودکان بدون اجازه والدین ممنوع است.
- کودک و والدین باید در جریان جزئیات اطلاع رسانی باشند.
- برای اطلاع رسانی باید فردی آگاه همراه کودک باشد.
- کودکان زیر 15 سال نمی توانند منبع خبر باشند.
- به هیچ وجه نباید به کودکان دروغ گفته شود.
- اصل بر مخفی ماندن هویت کودک و پرهیز از هویت سازی برای کودک است.